



۱۹۷۰م از دانشگاه وین به کسب درجهٔ دکتری نائل آمد. عنوان تز او «تاریخ شهر همدان در شش سدهٔ نخستین هجری»^۱ بود. این رساله در ۱۹۷۲م در وین به چاپ رسید. از ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۶م در بخش شرق‌شناسی دانشگاه فرایبورگ آلمان، ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی تدریس کرد. در ۱۹۶۷-۱۹۷۷م پژوهشگر «مؤسسهٔ شرق‌شناسی انجمن شرقی آلمان»^۲، در بیروت، بود.

در ۱۹۷۷م درجهٔ استادی^۳ خود را از دانشگاه فرایبورگ دریافت کرد. عنوان رسالهٔ او برای کسب این درجه «کتاب‌های خاطرات فارسی به عنوان منبعی برای اوایل تاریخ معاصر ایران» بود.^۴ این اثر در ۱۹۸۰م به چاپ رسیده و ترجمهٔ فارسی آن نیز در تهران منتشر شده است.

پرفسور فراگنر از ۱۹۷۷م به بعد در این دانشگاه‌ها به تدریس پرداخت: دانشگاه فرایبورگ، ۱۹۷۷م تا ۱۹۸۵م؛ دانشگاه وین (استاد میهمان)، ۱۹۷۹م؛ دانشگاه برن سوئیس (استاد میهمان)، ۱۹۸۲-۱۹۸۳م؛ دانشگاه آزاد برلین، ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۹م و دانشگاه بامبرگ آلمان، ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۳م.

پرفسور فراگنر از آوریل ۲۰۰۳م مدیر مؤسسهٔ ایران‌شناسی فرهنگستان علوم اتریش است. او تاکنون راهنمایی حدود بیست رسالهٔ فوق لیسانس و دکتری را به عهده داشته و از او تاکنون حدود هشتاد مقالهٔ تحقیقی و شش کتاب منتشر شده است.

در مهرماه امسال (۱۳۸۷ش) جشن‌نامه‌ای به مناسبت ۶۵ سالگی پرفسور فراگنر (۲۷ نوامبر ۲۰۰۶م) به کوشش سه تن از همکاران ایشان منتشر شد.

از آنجا که تمام مقالات این جشن‌نامه دربارهٔ مطالعات ایرانی و اسلامی است و حوزه‌های مختلف آن، از تاریخ و تاریخ‌نگاری گرفته تا زبان و ادبیات، و از مسائل دینی گرفته تا مسائل مربوط به هنر و حتی آشپزی، در اینجا

جشن‌نامهٔ پرفسور برت فراگنر
Iran und iranisch geprägte Kulturen. Studien zum 65. Geburtstag von Bert G. Fragner,
herausgegeben von Markus Ritter, Ralph Kauz und Birgitt Hoffmann, Dr. Ludwig Reichert Verlag, Wiesbaden, 2008, xxiv+ 435+12+Tafeln.



پرفسور برت فراگنر، ایران‌شناس و اسلام‌شناس اتریشی، در ۱۹۴۱م در وین به دنیا آمد. در ۱۹۵۹م دیپلم خود را گرفت و از ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۴م در دانشگاه وین به تحصیل در رشته‌های ایران‌شناسی، اسلام‌شناسی، مطالعات عربی و ترکی، مردم‌شناسی اجتماعی، و پژوهش‌های اسلامی پرداخت. در طی سالهای ۱۹۶۴ - ۱۹۶۵م به تهران آمد و در دانشگاه تهران به شاگردی نزد ایرج افشار، جعفر محجوب، مجتبی مینوی، ذبیح‌الله صفا، م. شهیدی، منوچهر ستوده، و دیگران پرداخت. از ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۹م در آموزشگاه حرفه‌ای تهران زبان آلمانی تدریس کرد. در

1. "Geschichte der Stadt Hamadan in den ersten sechs Jahrhunderten der Hijra"

2. Orient-Institut der Deutschen Morgenlandischen Gesellschaft.

3. Habilitation.

4. *Persische Memoirenliteratur als Quelle zur neueren Geschichte Irans.*



ترجمه شماری از آنها برای آگاهی پژوهشگران ایرانی، ذکر می‌شود.

۱. تاریخ و تاریخ‌نگاری

ساختارها و سنت‌ها

- گراردو نیولی، «باز هم درباره مفهوم ایران».
- کریستین نونل-کریمی، «خراسان و مرزهای آن، تغییر مفاهیم قلمرو از دوران ما قبل معاصر تا دوران معاصر».

- بئاتریس فوربز مانز، «الغ بیگ، ماوراءالنهر و سنت‌های ترکی - مغولی».

- جان پری، «وکیل الرعایا، بازرسی ویژه از دوره ماقبل معاصر ایران».

خاطرات و شرح احوال‌ها

- آندراس درشلر، «نخستین تاریخ‌نگار ایرانی شیعه، حسن‌بن محمد قمی».

- جورجو روتا، «مرگ طهماسب قلی خان قاجار بر اساس منبعی معاصر».

- اینگبورگ بالداف، «شرح زندگانی‌ای از حوالی اتحاد جماهیر [شوروی]، باب مراد دامینوف (۱۹۱۴ - ۲۰۰۵م)، مبارزی خستگی‌ناپذیر».

دوره صفویه

- یوکاکو گوتو، «دربار صفوی و آداب و رسوم آن در زمان حکومت محمد خدابنده».

- ماساشی هاندا، «اروپاییان در بندرعباس و "دولت" ایران در سده‌های ۱۷ و ۱۸ میلادی».

- ماریا ژوپه، «نگاهی به آن سوی مرز، دیدگاهی شیبانی از دوران نخستین صفویه». (مقاله‌ای است در باب کتاب مسخرالبلاد و ارزش‌های تاریخی آن).

دوران معاصر

- یان ریشار، «کودتای ۱۹۲۱م، منابع جدید اروپایی».

- پاول لوفت، «ایالات متحده آمریکا و راه آهن سراسری

ایران».

- تورج اتابکی، «اقلیت‌های قومی، منطقه‌گرایی و ترسیم تواریخ جدید در جمهوری اسلامی ایران».

دوران باستان

- آنتونیو پائائینو، «دیپلوماسی و اجبار در ایران باستان»

۲. تاریخ زبان و ادبیات

ادبیات و اهمیت فارسی نو

- نصرت‌الله رستگار، «یکسانی و همانندی هفت شاهزاده در هفت پیکر نظامی».

ریکاردو زیپولی، «درباره بیت هجوآمیز و مستهجن قآنی».

این بخش شامل مقالاتی دیگر از میکله برناردینی، ولفگانگ هولتسوارت، رکسانه هاگ‌هیگوچی، نیما مینا و زیبوله ونتکر است.

تاریخ زبان

شامل دو مقاله از پاول لوریه درباره زبان سغدی و ولیتسر سادووسکی درباره سبک و ساختار زبان شعری در زبان‌های هند و ایرانی و به‌ویژه اوستا و داست است.

۳. تاریخ فرهنگ و مذهب

در این بخش هفت مقاله از بیرگیت هوفمان، آنا کراسنولسکا، کریستف ورنر، رالف کاوتس، لیو یینگ شنگ، ماریا ماتسوخ، و ورنر آنده آمده است.

۴. تاریخ هنر

شامل چهار مقاله از باربارا فینستر در باب سنت معماری ایرانی، مارکوس ریتر، درباره بخش شمالی میدان شاه عباس اول در اصفهان دوره صفوی، کارین روردانتس، درباره سفارت و تجارت در ایران اواخر سده پانزدهم و اوایل سده شانزدهم میلادی، و کلاوس کرایرز، درباره مجسمه ناصرالدین شاه در تهران در حال سوارکاری است.

۵. آشپزی

شامل چهار مقاله از هوشنگ شهابی، درباره حلیت خاویار، زونیا فریتس، یوست گیپرت و پتر هاینه است. احمدرضا رحیمی ریشه

شاعران قدیم کرمان، سیدعلی میرافضلی، تهران، کازرونیه، ۱۳۸۶، رقعی، ۶۸۰ص، دفتر نخست.



میرافضلی در این کتاب، پس از سالها جستجو و کاوش در منابع چاپی کمیاب و کتابهای خطی، زندگینامه و شعر ۲۶ تن از سخنوران نامی کرمان را از آغاز تا آغاز دوره تیمور گردآوری و چاپ کرده است، دقت در گزینش اشعار تصحیح قیاسی و علمی آن، دستیابی به آگاهی‌های درست از زندگی و آثار هر سخنور، بهره‌وری از مآخذ معتبر و درخور از ویژگی‌های کار اوست.

هرچند پیش از این نیز به کوشش آقای دکتر حسین بهزادی اندوهجردی کتاب تذکره شاعران کرمان یا ستارگان کرمان که شرح حال ۴۳۱ تن از شاعران و ادیبان کرمان بوده گردآوری و چاپ شده بود، اما این کتاب وظیفه‌ای دیگر دارد، یعنی تذکره شاعران نیست، شناخت و بررسی شاعران نخبه است.

گردآورنده کوشیده از درون دهها کتاب نادر خطی، نمونه اشعار سخنورانی را نشان دهد که تاکنون نام و یا شعرشان در جایی دیده نشده و یا اگر آمده از منابع دست چندم و نامعتبر بوده است. افرادی مانند محمد منور، شمس اوحد، محمود کرمانی، فخرالدین کوهبنانی، نجم‌الدین حسن شهرویه، شمس‌الملک، نجیب و طغرل کرمانی جزء کسانی هستند که نخستین بار نام و شعرشان به دستداران ادبیات فارسی نشان داده می‌شود.

نگرشی به منابع وی به‌ویژه کتابها و جنگ‌های خطی، گویای پشتکار و تلاش اوست.

میرافضلی در این کتاب به گفته خود کمتر به دنبال زیبایی‌های شاعرانه بوده و بیشتر به انگیزه نگهداری میراث از دست‌رفته و رو به نابودی این شعرای گمنام اقدام کرده است (مقدمه). وی بر پایه منابع گوناگون به تصحیح اشعار و گزینش ضبط درست نیز دست زده است. گردآورنده در آغاز هر بخش، زندگینامه کوتاه اما گویایی از هر سخنور به‌دست داده که بسیار راهگشاست.

تمامی اشعار، معرب و مشکول بوده و برای نوپژوهان فرصتی بس گران‌قدر برای آشنایی با شعر و ادب دیار «کارمانیا» (نام کهن کرمان) است.

یادآوری اینکه، نگارنده نیز به هنگام تصحیح لطایف‌التفسیر (به همراهی آقای پیام شمس‌الدینی) به اشعاری از عماد فقیه کرمانی در حاشیه این نسخه کهن متعلق به سال ۹۸۰ق برخوردی که خوب است آقای میرافضلی هم این نسخه را در کتابخانه مجلس شورای اسلامی (شماره ۲) ببیند.

به هر روی، دفتر کنونی، نخستین جلد از پژوهش‌نامه شاعران قدیم کرمان است و قرار است دفتر دوم آن ویژه سخنوران کرمان در دوره تیموری تا پایان دوره صفوی باشد که چشم به‌راه چاپ آن می‌نشینیم و برای گردآورنده‌اش آرزوی موفقیت می‌کنیم.

حسین مسرت

مجموعه ۱۵۸۹ کتابخانه فاضل احمد ترکیه

حکومت ایلخانان مغول در ایران پس از آسیبی که در آغاز کار، به ذخایر مکتوب ما وارد آورد، به تدریج به یکی از حامیان فرهنگ ایران مبدل شد. این کار با پدید آمدن مراکز فرهنگی — همچون ربع رشیدی — و گردآوری و تکثیر میراث پیشینیان انجام شد. اما این حکومت نیز رفته‌رفته به ضعف گرایید و به طوری که می‌دانیم، از نیمه دوم سده هشتم هجری ایران عملاً میان چند سلسله حکومتگر تقسیم شده بود.

این سلسله‌ها میراثبران ایلخانان شدند و علاوه بر اندوخته‌های آنان — که بیشتر در آذربایجان گرد آمده بود — بخش مهمی از تجربه‌های علمی و هنری را به سوی خود جذب کردند که شیوه‌های کتاب‌آرایی نیز از این جمله است. از جمله مراکزی که در این دوره به فعالیت جدی پرداخته بود، شهر شیراز است که شیوه خاصی را



کشف المعاهد فی شرح قواعد العقائد، محمود بن علی بن محمود الحمصی الرازی، چاپ عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه دولتی برلین، مقدمه و فهرستها از زابینه اشمیتکه، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه آزاد برلین، ۱۳۸۶ ش.



آثار کلامی خواجه نصیرالدین طوسی (دانشمند، فیلسوف و متکلم نامدار قرن هفتم) را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد، یک دسته آثار منسوب به اوست که بر اساس مبانی کلامی اسماعیلیه نوشته شده و مربوط به دوره اقامت او در قلاع اسماعیلیه است؛ و دسته دیگر آثاری است که انتساب آنها به طوسی مسلم است و وی در آنها به اثبات مبانی اعتقادی امامیه پرداخته است. آثار دسته اخیر عبارت‌اند از: مصارع المصارع، رساله الامامة، تجرید الاعتقاد و قواعد العقائد. جز رساله‌ها که همگی به عربی نوشته شده‌اند، باید از رساله کوتاه «فصول» نیز یاد کرد که رکن‌الدین جرجانی (شاگرد طوسی) آن را به عربی ترجمه کرد. تجرید و قواعد اندکی پس از تألیف شهرت و اهمیت بسیاری یافتند و تأثیر عمیقی بر آثار کلامی امامیه پس از خود بر جای نهادند. هرچند از میان این دو، تجرید بیشتر مورد اقبال واقع گردید و شروح و حواشی بسیاری بر آنها نوشته شد، اما شروحي چند بر قواعد نیز می‌شناسیم که مهمترین آنها شرح علامه حلی (۷۲۶م) با عنوان کشف الفوائد است. قواعد العقائد شامل

در کتاب‌آرایی ابداع کرد که در سده نهم هجری توسط فرزندان و نوادگان تیمور تکمیل شده و به اوج خود رسید. بنابراین، بررسی هنر شیراز دوره تیموری بدون بررسی هنر شیراز در سده هشتم هجری نواقصی را در بر خواهد داشت.

دستنویس ۱۵۸۹ کتابخانه فاضل احمد ترکیه در سال ۷۵۴ هجری در شهر شیراز استنساخ شده است و یکی از نوادر دستنویس‌های دوره اسلامی به شمار می‌آید. در برخی از انجامه‌های این مجموعه صراحتاً به نام شیراز به‌عنوان محل کتابت نسخه اشاره شده است و علاوه بر این، تعدادی از آثار مرتبط با شیراز و دانشمندان آن، در این مجموعه مندرج است که برای نمونه می‌توان به دستنویس سیرت ابن خفیف شیرازی اشاره کرد. این متن، از نوشته‌های کهن به زبان فارسی درباره این عارف نام‌آور است و در چاپی که خانم آن ماری شیمل از متن انجام داده، کهن‌ترین دستنویس و نسخه اساس آن پژوهش بوده است و هنوز هم دستنویسی بدین قدمت از آن به دست نیامده است. همچنین می‌توان از متن فرخ‌نامه جمالی اشاره کرد که رونویس مندرج در این مجموعه، کهن‌ترین رونوشت و نسخه اساس چاپ این متن توسط استاد ایرج افشار بوده است.

این دستنویس شامل مجموعه‌ای قابل توجه از متون ارزشمند فارسی و عربی می‌باشد که برخی از آنها منحصر بفرد است. نمونه‌هایی چون پاتنجلی (به عربی از ابوریحان بیرونی؛ دستنویس منحصر بفرد)، مقامات حریری (به عربی)، ترجمه کلیده دمنه (به فارسی از نصرالله منشی) و تعداد قابل توجهی از کتاب‌ها و رساله‌های ابن سینا از جمله این آثار به شمار می‌آید.

بررسی متون مندرج در این مجموعه می‌تواند راهگشای خوبی برای آشنایی با محیط فرهنگی شیراز در نیمه سده هشتم هجری باشد. در این میان، به‌خصوص شیوه خاص کتاب‌آرایی این مجموعه، نمایانگر اولین کوشش‌هایی است که در تدوین اینگونه مجموعه‌ها در ایران انجام شده است و — چنانکه اشاره شد — ریشه‌های شیوه‌ای را که در دوره تیموری اجرا می‌شد، به ما می‌نمایاند.

ع. ص

مقدمه و پنج باب (به ترتیب: در اثبات موجد عالم، در ذکر صفات خداوند، در ذکر افعال الهی، در نبوت و امامت، در وعد و وعید) است و طوسی در طی آنها با روشی که — مانند دیگر آثار او — کلام را به فلسفه می‌آمیزد از امهات مسائل اعتقادی بحث کرده است. در این میان، بخشی از باب چهارم به شرح عقاید فرق مختلف در باب امامت می‌پردازد.

کشف‌المعاهد فی شرح القواعد تاج‌الدین محمودبن علی حمصی رازی که اینک چاپ عکسی آن منتشر شده، نیز از جمله شروحی است که بر قواعد العقائد نوشته شده است. از احوال و آثار تاج رازی چیز زیادی نمی‌دانیم. بنا به اطلاعات جزئی منابع — که خانم اشمیتکه در مقدمه خود (ص یازده - سیزده) گزارشی از همه آنها را آورده است — تاج رازی از شاگردان علامه حلی بوده و سوی کشف‌المعاهد، شرحی بر الرسالة الشمسیة نجم‌الدین کاتبی (م ۶۷۵) و شرحی بر الفصول الایلاقیة محمدبن یوسف ایلاقی (م ح ۶۶۰) با عنوان «الامالی العراقیه» داشته است. نسخه‌هایی در کتابخانه دولتی برلین موجود است که یادداشت‌هایی از تاج رازی در آنها وجود دارد و در شناخت زمان و مکان زندگی او و خانواده‌اش کمک بسیاری می‌کند. اشمیتکه در مقدمه خود (ص سیزده - هفده) گزارشی از این یادداشت‌ها به دست داده است. یکی از این نسخه‌ها، نسخه خطی کشف‌المعاهد است که برگه‌هایی از آن به خط اوست و وی در انجامه آن متذکر می‌شود که او خود نسخه را با متن مقابله کرده است. همین نسخه است که چاپ عکسی آن اینک به کوشش اشمیتکه از سوی انجمن حکمت و فلسفه ایران (در تهران) و مؤسسه مطالعاتی اسلامی (در برلین) منتشر شده است. اشمیتکه در مقدمه اطلاعات نسخه‌شناختی این متن را یاد کرده و در پایان (ص هفده - هجده) اطلاعاتی کتابشناختی بر اساس همین نسخه به دست داده است.

تاج رازی در شرح خود، همه متن قواعد را نیاورده و معمولاً تنها کلمات آغازین بخشی را که شرح می‌کند — با واژه «قال» در آغاز و «إلی آخره» در پایان — نقل می‌کند. تاج رازی در شرح خود عیناً از ساختار تألیفی قواعد پیروی می‌کند. تاج رازی تصریح می‌کند که غرض او از این کتاب تنها شرح عقاید فرق است و دربردارنده

عقاید شخص او نیست. این ادعا البته وفاداری رازی به متن قواعد و آرای طوسی را بهتر نشان می‌دهد. به گفته اشمیتکه (مقدمه، ص ۱۸)، شرح رازی را می‌توان نوعی بازگویی قواعد همراه با جزئیات فراوان دانست که می‌تواند به طور مستقل از متن اصلی خوانده شود. کشف‌المعاهد از آن حیث که حلقه‌ای از نگارش‌های عقیدتی امامی در ایران پیش از ظهور صفویه است شایان توجه است. در این میان، نسخه کتابخانه دولتی برلین، با توجه به آنکه حاوی تصحیحات و اضافات مؤلف است، دارای اهمیت است؛ جدای آنکه متن آن نیز که یکی از شروح کهن قواعد به شمار می‌رود تاکنون در اختیار نبوده است. این نسخه ۷۶ برگ دارد که اینک به صورت عکسی در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. به پیوست تصویر سه برگ از کتاب الملخص فخرالدین رازی به خط پدر تاج — که آن نیز در همان کتابخانه دولتی برلین نگهداری می‌شود — به چاپ رسیده است. فهرس چندگانه‌ای (آیات، اعلام، کتاب‌ها، ملل و فرق، مکان‌ها) با ارجاع به رو و پشت برگ‌های نسخه برای متن تنظیم شده است. خانم زابینه اشمیتکه مقدمه‌ای به انگلیسی نوشته و طی آن به ایجاز در باب آثار کلامی طوسی، شروح قواعد العقائد، تاج رازی و شرح او بر قواعد و نسخه خطی محفوظ در برلین سخن گفته است. این مقدمه با ترجمه فارسی آقای احمدرضا رحیمی ریشه در آغاز متن درج شده است.

محمد عمادی حائری

غزل‌های حکیم سنایی غزنوی، به کوشش یدالله جلالی پندری، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶ش، ۵۶۰ص.
حکیم سنایی غزنوی که در تفسیر گران‌سنگ کشف‌الاسرار اثر ماندگار ابوالفضل رشیدالدین میبیدی از او با نام گرامی «جوان‌مرد» یاد می‌شود، سرسلسله سخنوران عارف، پاکباز و وارسته‌ای است که در جای‌جای متون ادب تعلیمی، اخلاقی و انسانی فارسی نشان او را می‌توان یافت. همو که مراد عارف نامی خواجه عبدالله انصاری است و ابوالفضل رشیدالدین میبیدی مفسر دلسوخته را مرید است. بی‌گرافه بیش از نیمی از اشعار دوره ده جلدی کشف‌الاسرار سروده‌های سنایی است.
سنایی که هر بیت غزلش، شاه‌بیت غزل انسانیت



و معرفت است و ادیبان و شاعران سده‌های بعد، همه به نیکی از او یاد می‌کنند و بر صدر می‌نشانند، جای آن داشت که یک زمان، تصحیح علمی و انتقادی از مجموعه اشعار او به‌ویژه غزل‌های او دست‌یاب، گردآوری و چاپ شود. اینک به همت دکتر یدالله جلالی پندری استاد دانشگاه یزد این مهم انجام گرفته است.



بایزید ولی‌الدین استانبول، ملک، ملی تهران (دو نسخه) و مرکزی دانشگاه تهران می‌پردازد که تصحیح حاضر بر پایهٔ مقابله و برابری این نسخه‌ها انجام شده است (ص نودوهشت تا صدویست‌وهشت)؛ سپس به روش تصحیح خود اشاره‌ای دارد.

گفتار «حکیم سنایی و غزل‌های قلندرانه» در آغاز کتاب، هم خواننده را با شیوهٔ غزلسرای سنایی در دو شیوهٔ غزلیات و قلندریات آشنا می‌کند و هم دریچه‌ای است برای ورود به مشرب فکری عارفانه و صوفیانهٔ این شاعر و نیز سیر تحول درونی او از یک شاعر مداح به سخنوری عارف و نیز نحوهٔ تمیز اشعار قلندریهٔ او، ویژگی‌ها، نوع واژگان، زبان، موضوع، نگرش و جهان‌بینی سنایی.

دکتر جلالی در این دیباچهٔ ۱۷۵ صفحه‌ای به مباحث مهمی در شناخت اشعار سنایی از جمله به دو مورد مهم پرداخته است: نخست کیفیت اشعار و غزل‌های سنایی و نقش سنایی در تحول غزل فارسی و دیگر شرحی از زندگی و آثار این ادیب وارسته، که مؤلف در مقدمه نیز هیچ‌گونه توضیحی در این باره نداده که چرا در این کتاب جامع که پس از این به‌واسطهٔ دقت در گزینش و تصحیح اشعار، دست به دست می‌برندش و بر سر هر خوان فرهنگی و ادبی می‌نهدش، شرحی از زندگی این عارف پاک منش، نیکوگفتار نیکوپندار نیست!

اما اکنون که دکتر جلالی با این دقت و وسواس و حوصله از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۶ (هجده سال) وقت صرف این پژوهش کرده، جای چندین فهرست در پایان آن خالی می‌نماید که بودن آنها بر ارزش کتاب دو چندان می‌افزود، از جمله فهرست اعلام انسانی و جغرافیایی، فهرست آیات، احادیث و عبارات عربی، فهرست امثال و کنایات، کشف‌الایات و توضیح واژه‌های دشوار متن.

هرچند گردآورنده، خوانندگان را برای آگاهی از توضیح واژه‌ها به کتاب ارزشمند در اقلیم روشنایی ارجاع داده است (ص سی‌ودو)، اما خود به نیکی می‌داند که آن دفتر، تنها برگزیده‌ای از چند غزل سنایی است و نه همهٔ آن و آن معانی ویژهٔ همان چند غزل است.

دیگر کاستی کتاب نبود بخشی است با عنوان غزل‌های منسوب به سنایی که گل سرسبد آنها غزلی به مطلع زیر است:

مصحح در آغاز کتاب و در بایستگی ویرایش و پیرایش دوبارهٔ دیوان سنایی پس از بررسی چگونگی کاستی‌ها و نادرستی‌های راه‌یافته به چاپ‌های گوناگون دیوان او، به گونهٔ گسترده و ژرف‌نگر، تصحیح زنده‌یاد محمدتقی مدرس رضوی را نقد و بررسی کرده و با تأکید و تعظیم بر کوشش‌ها و تلاش‌های شصت‌سالهٔ آن زنده‌یاد در راه بازشناسی و چاپ آثار سنایی غزنوی، مهم‌ترین کاستی‌های چاپ وی را کاویده و آشکار ساخته است. از نگاه او این موارد که شامل برتری حاشیه بر متن، عدم یادکرد همهٔ نسخه‌بدل‌ها، گونه‌های نادرست در برخی غزل‌ها، گونه‌های نادرست از دیدگاه وزن و قافیه، بدخوانی یک نسخهٔ خطی، دگرگونی فهرست و متن و دیگر غلط‌های چاپ و فهرست است. همین چاپ، بنابر ارادتی که اهل قلم و ادب به مدرس رضوی داشته‌اند، معیار چاپ‌های بعدی دیوان و بعضاً غلط‌های راه‌یافته به دیگر چاپ‌ها و گزیده‌های دیوان سنایی شده است.

جلالی پندری در ادامه به شناسایی شش نسخهٔ خطی از دیوان سنایی که در کتابخانه‌های موزهٔ کابل،

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی

نروم جز به همان ره که توام راه‌نمایی

گردآورنده در دیباچه (ص سی و یک) آورده که این شعر در هیچ کدام از نسخه‌های کهن و حتی نسخه‌های سده یازدهم نیامده است.

امید می‌رود اکنون که جلالی پندری اشراف خوبی نسبت به متون کهن و درست سنایی پیدا کرده و بیش از هر کس دیگر (چنانکه دیباچه نیز گواهی می‌دهد) آگاه بر چند و چون اشعار سنایی و کاستی‌ها و ناراستی‌های چاپ‌های گوناگون دیوان سنایی است، و از آن رو که نسخه‌های متعدد و کهن خطی از سنایی را در دسترس دارد، دست به کار گردآوری و سامان‌دهی دیوان سنایی بشود.

هم‌چنین جلالی می‌تواند بدین آرزوی مرحوم مدرسی که امیدوار بود «پس از این به کوشش فضلا و دانشمندان و جوانان با ذوق و نیز به استعانت نسخ تازه دیگر که بعداً به دست می‌آید، سایر اشعار سنایی که در دیوان نیامده، جمع گردد» (دیوان سنایی، مقدمه، ص ۱۶۷) جامه عمل ببوشد و خود دست‌به‌کار چنین کار سترگ، جاودان و ماندگار شود.

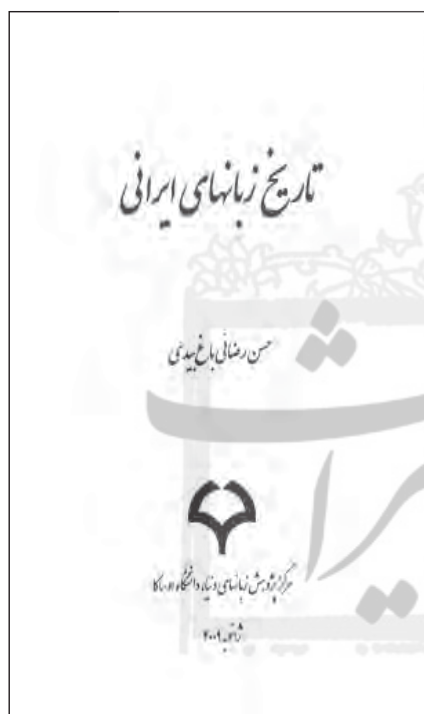
حسین مسرت

تاریخ زبانهای ایرانی، حسن رضایی باغبیدی، مرکز پژوهش زبانهای دنیا، دانشگاه اوساکا، ژاپن، ژانویه ۲۰۰۹م، ۲۱۱ص (متن فارسی) + دو صفحه پیشگفتار (به زبان ژاپنی).

تازه‌ترین و — در عین اختصار — جامع‌ترین اثر در معرفی زبانهای ایرانی، نوشته دکتر حسن رضایی باغبیدی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، و استاد میهمان دانشگاه اوساکای ژاپن است.

کتاب پس از یادداشت نویسنده در «پیشگفتار»، با فصلی کوتاه در معرفی خانواده زبانهای هندواروپایی، تاریخچه پژوهشهای زبانشناختی در این باره و فهرست شاخه‌های این خانواده زبانی آغاز می‌شود که یکی از مهمترین شاخه‌های آن، یعنی زبانهای آریایی، در فصل بعد با تفصیل بیشتر شناسانده می‌شود. آنچه آریایی نام گرفته، زبان گروهی از مهاجران هندواروپایی بود که در حدود هزاره سوم پیش از میلاد از هم‌نژادان خویش

جدا شدند و در دشتهای آسیای مرکزی اقامت گزیدند. نویسنده سپس بحثی در باره ریشه و معنای نام این گروه (آریا، به معنای آزاده، نجیب، شریف) پیش می‌کشد و به معرفی دیدگاههای مختلف در باب خاستگاه این گروه (سرزمین ایرانویج)، تقسیم آنان به گروه‌هایی چون هندوآریایی و ایرانی و مسیر مهاجرت آنان می‌پردازد و شواهدی از روابط و تحولات قومی و زبانی این روزگاران ارائه می‌کند. کهنترین نشانه‌ها از حضور قبایل ایرانی، زبان هندوایرانی آغازین و معرفی زبانهای برخاسته از آن، تحولات آوایی این زبان تا دوره‌های هندی باستان و ایرانی باستان، و گستره زبانهای این گروه، دیگر مباحث این بخش هستند.



نویسنده در ادامه می‌افزاید: «زبانی را که اقوام ایرانی پس از جدایی از هم‌نژادان خویش مورد استفاده قرار می‌دادند، می‌توان ایرانی آغازین، ایرانی مشترک یا ایرانی باستان نامید.»

از آنجا که زبانهای ایرانی، به تعبیر نویسنده «از سه دوره گذر کرده‌اند»، در این کتاب هم بر پایه تقسیم‌بندی پذیرفته‌شده، این زبانها در سه دوره باستان، میانه، و نو معرفی شده‌اند. ادامه فصل دوم معرفی اجمالی زبانهای ایرانی در این سه دوره است.

فصل سوم، با عنوان «زبان ایرانی آغازین»، در دو



گزارش میراث

شامل نظام آوایی و نظام صرفی آنهاست که به تفصیل و با ذکر نمونه‌ها (و دسته‌بندی برخی مطالب در جدولها) معرفی شده‌اند.

در فصلهای پنجم و ششم، به ترتیب زبانهای ایرانی میانه شرقی، شامل بلخی، خوارزمی، سغدی، سکایی میانه (دارای دو گویش خُتَنی و تُمَشُقی)، و زبانهای ایرانی میانه غربی، شامل پارتی و فارسی میانه، معرفی شده است. در هر مورد، شرحی کامل، اما موجز، در معرفی کلی زبان، آثار به جامانده از آن، و ویژگیهای آوایی و دستوری آمده است.

فصل هفتم به دوره نو اختصاص دارد و در آن، فارسی دری، زبانها و گویشهای ایرانی نو غربی و ایرانی نو شرقی معرفی شده‌اند. در مبحث فارسی دری، به ویژه آگاهیهای ارزشمندی از آثار پراکنده کهنترین دوره این زبان به خطهای مختلف آمده است. واپسین بخش کتاب هم کتابشناسی مفصل منابع مورد استفاده است.

نویسنده برای روشن و مستند ساختن برخی مباحث متن، تصویرهایی همراه آن کرده است که — همچون خود متن — با کیفیتی درخور چاپ شده‌اند.

عسکر بهرامی

صفحه، به معرفی اجمالی ویژگیهای آوایی، صرفی و نحوی این زبان می‌پردازد.

فصل چهارم به معرفی تفصیلی زبانهای ایرانی باستان اختصاص دارد که با اوستایی آغاز می‌شود. نویسنده چکیده مهمترین بحثها را در باب نام این زبان، زمان و زادبوم زردشت، سرگذشت اوستا، کتابت و شکل‌گیری و مندرجات و آثار به‌جامانده از آن، و پاره‌ای از ویژگیهای دو گویش آن را ذکر می‌کند. در باب زبان سکایی باستان که چند نام و واژه پراکنده در کتیبه‌های یونانی و اشاره‌هایی در نوشته‌های تاریخی تنها آگاهیهای موجود از آن هستند، معرفی اجمالی صورت گرفته است. اما از سومین زبان این مجموعه، که فارسی باستان است به یمن کشف متنها متعدد نوشته‌شده به این زبان و رمزگشایی و شناخت آن (که سرگذشت خواندنی‌اش نیز به اجمال ذکر شده)، اکنون دستور نسبتاً کاملی فراهم آمده است که در ادامه فصل، مهمترین مباحث و ویژگیهای آن آمده است. واپسین مباحث این فصل هم مختصر آگاهیهای موجود از زبان مادی و دیگر زبانهای ایرانی باستان است. پایان‌بخش این فصل ساخت دستوری زبانهای این دوره،

جوایز دریافتی مرکز پژوهشی میراث مکتوب در سال ۱۳۸۷

۱. کتاب تحفة السلاطین: برگزیده چهارمین دوره کتاب فصل
۲. فصلنامه آینه میراث: شایسته تقدیر پنجمین دوره جشنواره نقد کتاب
۳. نویسنده مقاله «مرآت‌الازمان» در آینه میراث: شایسته تقدیر پنجمین دوره جشنواره نقد کتاب
۴. رساله الإفاده فی تاریخ الائمة السادة: شایسته تقدیر ششمین دوره کتاب فصل
۵. کتاب تقویم الایمان: برگزیده دومین دوره جشنواره بین‌المللی فارابی